



هشتم ثوبه ماه فرانس ۱۷۸۱ مسیحی
هر کس اخبار و اطلاعات علمی بدار لطفاً
همایون بفرستد درین روزنامه باسم
خود او نوشته خواهد شد

دوشنبه هفتم شهر کعبه المرجب ۱۲۹۵
بکفتر بکعباسی
بکفتر بکعباسی
سکری ده شاهی
در چهار قسط
قیمت اعلان
ادبانه

بقیه اخبار حفظ الصبر من زا ابو الحسن حکیم کتابخانه مبارکه

هنکامیکه بی غذای طولی بکشد حس و جمع محل معده تمام میشود
پس با میتوان گفت که حس که سنگی هیچ باقی نیست بلکه این
حس برخلاف در انوقت بنحوی شدید شود که سایر احساسات
در تحت و مفقود اند که مبدل میگردد بعد از آن حقیقی شد بدو
ازین جهت است که بسیاری از فیزولوژیست ها از روی خطا
مقایسه مینمایند حس جوع را با حس آلات حساسه و تفحص در برقرارد
نمودن محل التي آن میکنند یعنی این حس موضعی را عصبیت
میرساند و چون آلات حساسه معین شده اند برای آنکه ربط بدهند
ما را با اشیا خارجی و صفات طبیعی آنها را با شناساند لهذا
نمیتوانند مفقود شوند با آنکه از اعصاب جدا گردند بدون آنکه
در همان وقت انحسی که بنام پیدا دند مفقود شوند و برخلاف
احتیاج با کولات هنوز باقی است هنکامیکه معده از مرکز اعتقاد
جدا شده باشد بواسطه قطع نمودن عصب پیر معده مانند آنکه
سیدیل صاحب رساله تجربیه نموده و گفته اند راست که حیوانات
که عصب پیر معده آنها قطع شده نمخوردند مگر برای تسکین دادن
قوه ذائقه و امتحانات لیس صاحب بن قول وارد میکنند حیوانات
که بکمی عصب پیر معده و عصب ذائقه آنها قطع نموده باز تغذیه میکنند

در ماکولات است

انسان در غذای خود استعمال مینماید حیوانی و نباتی را ولی حیوانی
و نباتات و میوه جاتی که تناول میکنیم را به ما نباتات عرفی دار
معطره که مینوشیم بعلاوه مواد آلبه خودشان دارای بعضی مواد
دیگر هستند مانند نمک طعام خالص یا غیر خالص و صفات و شو
و بعضی املاح دیگر و نیز ماکولات در ترکیبات مختلفه دارا میشوند
کو کورد و سفر و حدید و غیره را پس انسان قلیله از مواد معدنی را
استعمال مینماید تمام مواد معدنی که انسان با ماکولات و مشروبات
خود هضم میکند مانند مواد آلبه مخصوص بدل ما بتخلل اجزا صلیبه

ورقیقه بدن میگردد زیرا که انساج و اخلاط دارای این معادن
مینباشند و فیما بین اجسام معدنی نمک طعام عمل بزرگی در ماکولات
دارد زیرا که چون اعانت بر ترشح عصا ره ها ضمه و تلبیه بر حس
عطش و نوشیدن اشربه میکند و معین با فایده هضم است و
حیوانات غالبه نیز مانند انسان ذایقه کاملی برای نمک دارند و
با میل زیاد و حرص او را میخورند
مواد معدنی در آثار هضم عمل عمد دارند ولی بتنهاه قابل حفظ
حیات نیستند اشخاصیکه برای سدگر سنگی خاک میخورند و با
بجمله تلذذ قوه ذائقه کل قرمز معطر تناول مینمایند هیچ فایده برای
تغذیه خود نمینهند و برخلاف مواد آلبه بتنهاه کافه در حفظ
حیات مینباشند بالطبع دارای قدری از مواد معدنی هستند
خلاصه برای آنکه غذا تمام و کامل بود مینماید دارای تمام عناصری
باشد که جزا انساج انسان است

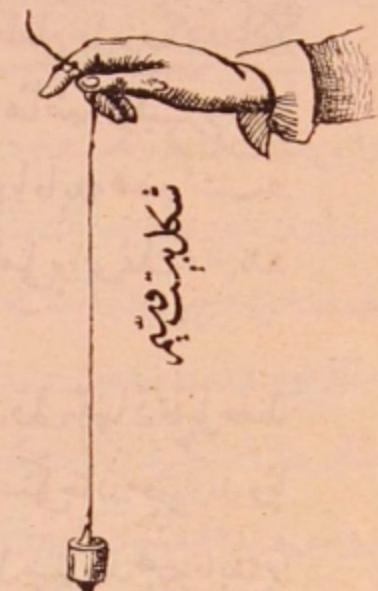
بقیه صحبت سانه طبیعی و طبیعت

ترجمه میرزا کاظم معلم علم طبیعی و شیمی
مجمود من چنین گمان میگردد که هر وقت حرارت اجسام جاهه را
متخلل و لطیف میکند انجامدات تحویل بمایع میشوند
کاظم قبل از میغان جامدات از دیار حجم پیدا میکنند بدون
اینکه شکلی که دارند و بجالت جمود اند از دست بدهند
مجمود پس ممکن نیست ساعتی ساخت که همیشه درست کار کند
کاظم چرا در ساعت های خوب توانسته اند تند بیری نمایند که اثر
کوتاه و بلند شدن بند و بواسطه برودت و حرارت هیچ شود
وقتی که مدرسه رفتی و فیزیک مشروح خواندی خواهی فهمیدی
که چه کرده اند تا با این مقصود نایل شده اند

مجمود احمد قارونجا مینماید

کاظم اسباب تا برام ملاحظه کن که اکنون بکلی ساکن مانده
و ابد حرکتی ندارد اگر آن تخته محل نشستن و طناب تا بر
نزدیک بگذریم بگویم که در تمام طول مبد بدی که بعد ما بین

این دو طناب مساوی بود و ادبالاتا پائین خط مستقیم کاملی
 تولید کرده بودند و این خط مستقیم همان خطی است که معبر
 قوت ثقل مینامند و همچنین از امتداد عمودی و امتداد رسته
 شاقول گفته اند زیرا که هر وقت خواسته باشند این خط امتداد
 قوت ثقل را بدست آورند یک کلوله سر به سر از نخ اویزان
 میکنند آن نخ بواسطه سنگینی سرب ممتد میشود چنانکه در
 شکل بیست و نهم مبینی امتداد یک
 بدن طریق حاصل میشود همان
 امتداد است که اجسام در هنگام
 افتادن بر روی زمین بان امتداد
 حرکت میکنند هر گاه آنها را در فضا
 رها کنند و هیچ قوت دیگری معبر
 حرکت آنها را تغییر ندهد چون در
 تمام سطح کره زمین امتداد خط شاقول
 خط مستقیمی است که از فوق بتحت



کشیده شده میتوان گفت که اگر در نارنجی چندین سوزن بلند
 بوند که نوک آنها در مرکز نارنج جمع شود و آن نارنج را شکل زمین
 قرار دهند سوراخهایی که از برون آوردن سوزنها در نارنج پیدا
 میشود هر یک بجای امتداد شاقولی خواهد بود که در نقاط مختلفه
 زمین بوجود آمده اند و اگر در شکل بیستم رجوع کنی این مطلب
 محسوس است

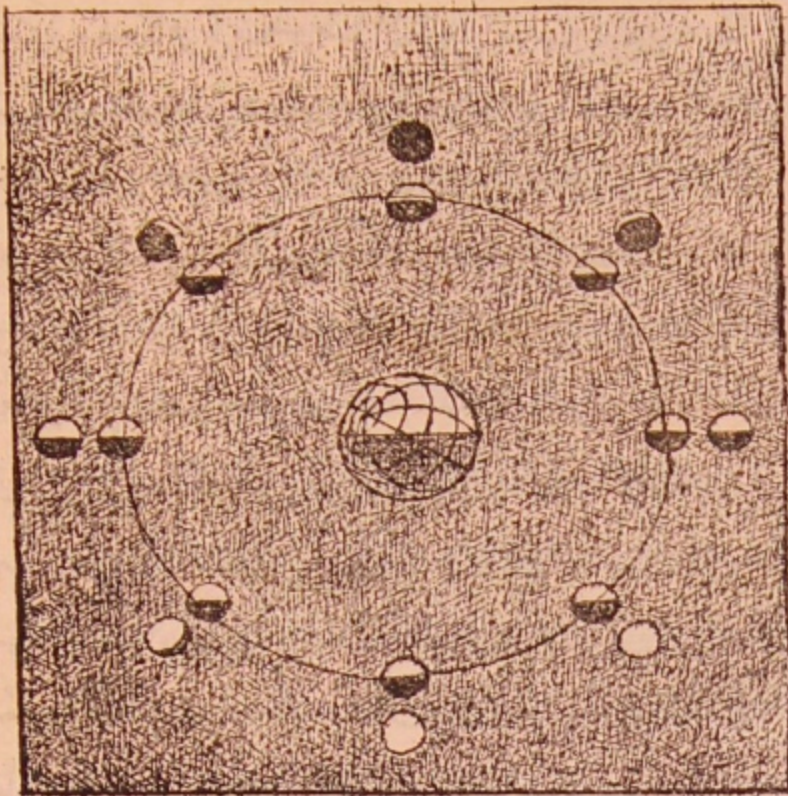
بقیه اخبار فی فیض الله حکیم ناشی

اما سوزنک حاد مردان علامت تشریحی آن که اموات مشاهده
 شده است که غشاء مجرای بول در یک نقطه با در تمام سطحش پر خون
 شده قرمز یا ابی یا سپاه رنگ شود و بعضی مواضع آن غشاء ضخیم
 و شکننده گردد غده مخاط نیز بواسطه نثر خون صلب سرخند و
 سبوسهای مرکانه قرمز گاه بزرگتر از حالت طبیعی و گاه کوچکتر
 و باشد که مسدود یا مفقود و معدوم شوند و در بعضی اشخاص
 ورم فلغو بنیانه وسطی است بنوعیکه پس از مرگ بسیار کم یا هیچ
 اثری از آن ملحوظ نگردد و در بعضی صورت غشاء مخاط گاه بسیار با
 رطوبت و تراست و گاه در نهایت جفاف و خشکی است و بعضی وقتها
 ورم مجدی شد پیدا است که از غشاء مخاط تجاوز نموده بغشاء تحت
 آن شریک نماید و موردت بعضی دانه های سخت صلب گردد که گاه

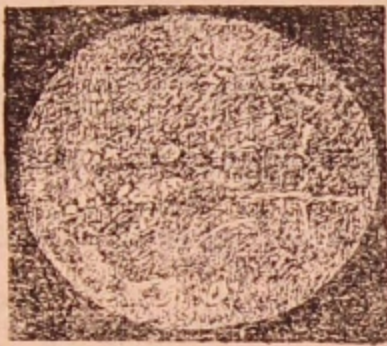
این دانه ها از جوف مجری بپسوجو احساس نشوند و از خارج بول
 پس بجو بی محسوس گردند و این صلابت با در غشاء مخاط بطنها
 و با در غشاء زنبوری تحت آن و با در تمام مجری است و هم دیده شد
 که سرایت بحجم اسفنجی که بفرانسه کرکاو و نو نامند نماید و امروز
 بر جمیع دانشمندان این فن مبرهن است که در ورم حاد مجرای بول بند
 تفرج و جراحتی در غشاء مخاط دیده شود اعم از آنکه بخود بخود عارض
 شود یا از وروس سفید پستی چنانکه موسو هونتر و مسو فلیپ
 و مسو ویدال در چند نفر اموات مبتلا بسوزنک حاد از تشریح
 بپسوجو اثر جراحتی در غشاء مخاط مجرای بول آنها ندیدند مگر آنکه
 انغشاء را قرمز و پر خون یافتند مسو دیگر از کتابیکه یاد داشت
 از مرضه مرضخانه امرای جمعی است تحقیق و انتخاب نموده ثبت
 مینماید که شانکرهای حاصله از بیم مخرجه از مجرای بول همیشه فلج
 از بیم کوفتی است

در اموات سوزنکی بعضی اختلالات دیده میشود مانند ورم
 غده وری و مثانه و مخزن متی و بیضتین و غیره که آن اختلالات را
 در ترکیبات مرض بیان خواهیم نمود
 محل مرض از علامات تشریحی و علل مرضی مبرهن شده که این مرض
 اغلب در کودی سرخ کر بروز مینماید زیرا که هم مجاور و بریم و هم
 استعدادش برای قبول سم کوفتی زیاد تر است و این ورم سوزنک
 که چند روز یا چند ماه در یک نقطه محدود بماند ولی در صورتیکه
 ورم شدت نداشته و مدتی بطول انجامیده باشد میتواند سرایت
 بعقب نموده تا اصل ذکر و غده و ذی برسد و قسمی دیگر از صور سوزنک
 که خارج مجری بروز نماید چنانکه اگر ورم سوزنکی حادث شود در
 حشفه از انفرانس بالابت و اگر در پوست خسته گاه بروز نماید
 از او سبب خوانند و این دو صورت از سوزنک را سوزنک کاذب
 گویند ولی با سوزنک مجرای بول اختلافی ندارد مگر از جهت مکان
 ابتدای مرض اینجا که سوزنک و پروسی باشد اغلب از چهار الی هشت
 روز بعد از جماع ناپاک بروز نماید ولی بعضی از مصنفین معتقد
 مانند هونتر و غیره بر آن اند که میتواند از پنج الی شش هفته بطول
 انجامد و هم ممکن است که از چند ساعت الی یک روز ابتدای بروز آن
 و این صورت را اغلب نتیجه یک ماده محرکی خواهد بود که شامل ماده و پروسی
 نباشند از اقسام دیگر نیز یاد در تراست از انها ای جماع ناپاک تا ابتدا
 بروز علامت از زمان کون مرض نامند و مسو دیگر از زمان کون مرض تا

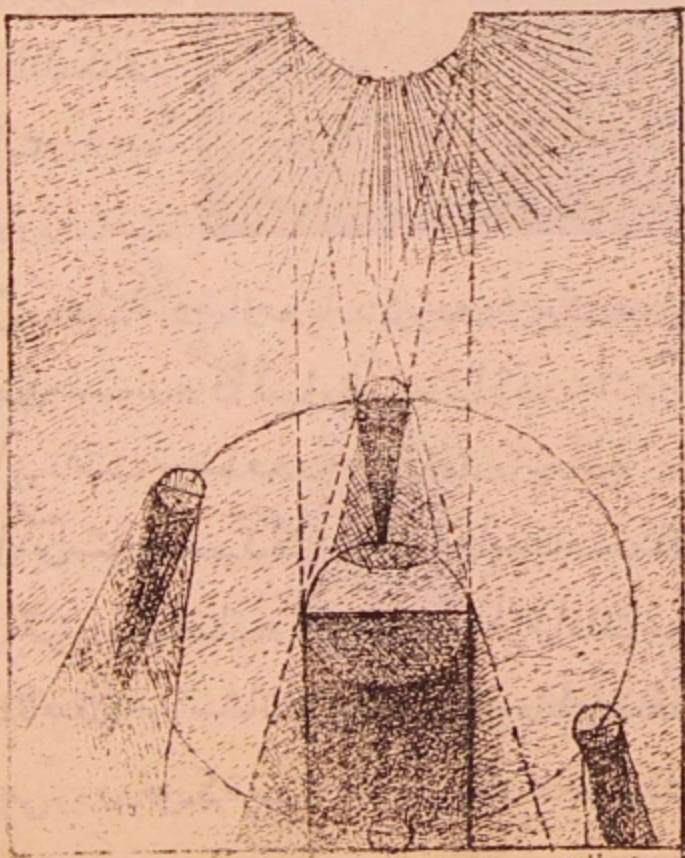
حالات قمر از عناق و ترکیب و بدکردن
 کرد که در چهار چشمه شمره کرد



صورت قمر و کلهها که در آن نوره است و در چهار چشمه شمره



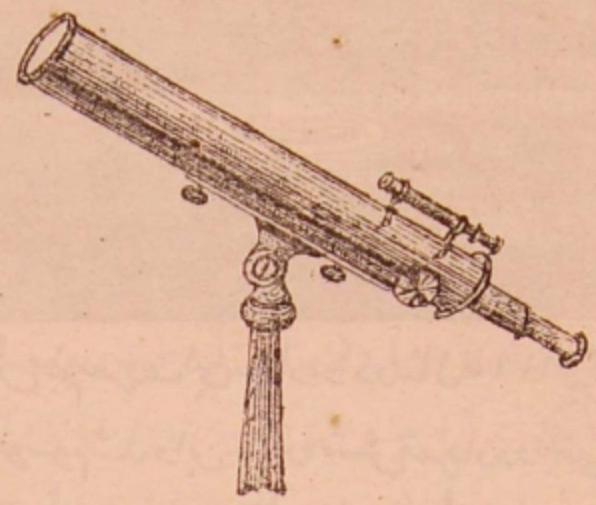
کوف و خسوف که در آن چهار چشمه شمره کرد



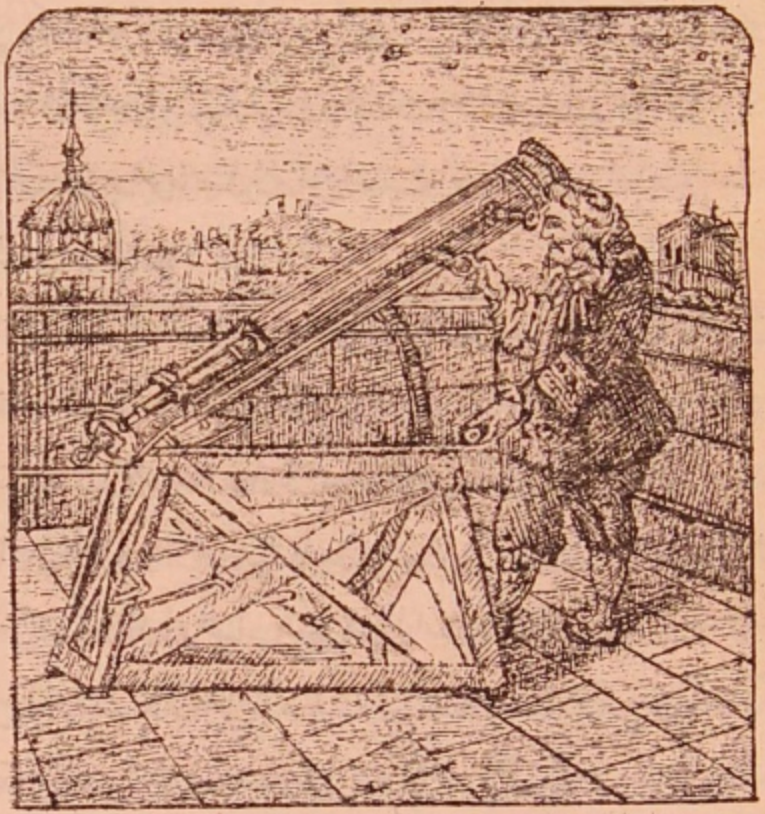
ایرانی غفاری

بفیه اخبار جعفر قلینان که تلبی پس ملک
 مبارک کرد از افنون

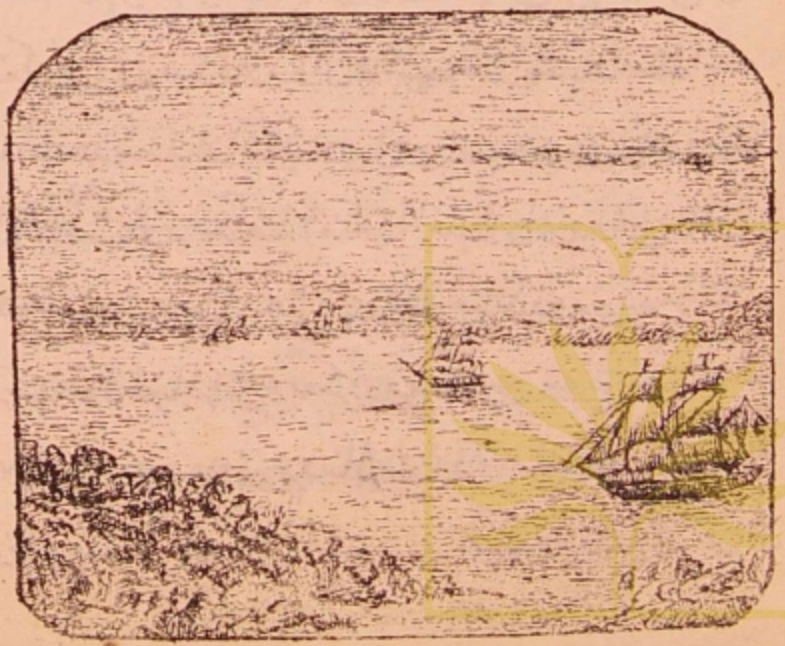
صورتی و درین که در آن چهار چشمه شمره کرد



صورت تلسکوپ که در آن چهار چشمه شمره کرد



صورت کشتهها که در آن است که در آن ظاهر میباید که در آن چهار چشمه شمره



بسیار است که در آن است که در آن ظاهر میباید که در آن چهار چشمه شمره

دوم زهره این ستاره از سایر سیارات روشن تر است و گاه در سمت مغرب بعد از غروب افتاب دیده میشود و در اینحال از استار شبان کوبند و گاهی طرف صبح قبل از طلوع افتاب در مشرق دیده میشود و در اینحال از استاره صبح کوبند از بس ستاره و روشنی است گاهی در وسط روز هم دیده شده است و در مدت ۲۲ شبان روز بگذرد و حول افتاب و در آن میکند و مدت ۲۳ ساعت و ۲۱ دقیقه بگردد و در خود میگردد و چون عطارد و زهره با افتاب از زمین نزدیکتر اند این دور را سفلیین مینامند

سوم مریخ این ستاره جمیع تقریباً هفت مرتبه کوچکتر از زمین است و فاصله اش از افتاب بکبرابرونیم فاصله زمین است از افتاب وضو این ستاره قرمز تیره است کلههای متنازی بر روی آن دیده میشود و ظاهر آن بر دو قطب در بانی منجم است مابین مریخ و مشتری سیارات کوچک زیادی هستند که همبگردد و در افتاب میگردند و از بس کوچک اند با چشم دیده نمیشوند لکن با بد با دور بین دیده شوند و با این همتاها سیارات دور بینی نامند و تا امروز قریب یکصد بیت عدد از این سیارات پیدا کرده اند و باز هر سال ستاره تازه پیدا میشود سرس زنون و سستاکو اکی هستند که قدیم آنها را یافته بودند و تاریخ یافتن سرس که از سایر اقدم است مقدار با سال هزار و دوست و شانزده هجری

چهارم مشتری این کوبک بسیار درخشان است و تقریباً یک هزار و چهارصد و چهارده برابر زمین است و فاصله اش از افتاب پنج برابر فاصله زمین است

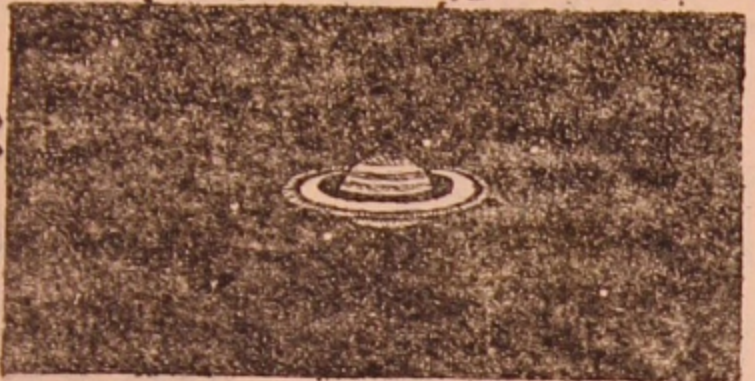
وقدری بیشتر و در مدت دو روزه سال بگذرد و حول افتاب و در آن مینماید و تقریباً در ده ساعت

بگردد و در خود میگردد و چهار رقم دارد که بر دور آن حرکت مینمایند و با چشم دیده نمیشوند و گالیله مینماید ابالیائی که در مائه دو روزه هجری حیات داشت توسط دور بین این اتمام را پیدا کرد پنجم زحل این ستاره هفتصد و سی و پنج برابر زمین است و در مدت سی سال بگردد و در افتاب حرکت مینماید فاصله اش از افتاب نه برابر و نیم فاصله زمین است از افتاب این ستاره را بک منظره اش نازک و پهن بر دور خود که قریب ۴۸۵۸ فرسنگ از سطح کوبک دور



صورت مشتری

افتاده و هشت رقم دارد که بر دور او میگردند ششم اورانوس جمیع این ستاره هشتاد و دو برابر زمین است و فاصله اش از افتاب نوزده برابر زمین است از افتاب و در مدت هشتاد و چهار سال شمسی بگذرد و حول افتاب طی میکند



۱۱۵۷

هر شش منجم معروف این ستاره را در سال ۱۱۹۵ هجری یافت و بنام او موسوم شد و این ستاره شش رقم دارد و بعضی تا هشت رقم اند هفتم نبطون این ستاره را مسبولو در بین منجم دانس صد خانه پاریس در سال هزار و دوست و شصت سه هجری یافت و جمیع یکصد و پانزده برابر حجم زمین است در مدت یکصد شصت و پنج سال شمسی بگردد و در افتاب حرکت مینماید و فاصله اش از افتاب سی برابر فاصله زمین است این ستاره را بکفراست که بر دور او میگردد

فصل هفتم در اجزای ذرات الاذنیاب

که ستاره دنباله دار نیز کونیم علاوه بر سیارات مذکوره کواکب دیگر نیز هستند دنباله دار که بدو در افتاب حرکت میکنند اما وضع مدارات آنها بدو در افتاب بشکل بیضی بسیار دراز است وضع مدارات آنها و حرکتشان بدو در افتاب خیلی بی نظم است و افتاب در درون این بیضی واقع است و خیلی نزدیک یکی از دور اش و هر وقتی که ذرات با این نقطه از مدارش رسد که خیلی نزدیک با افتاب است حرارت زیاد از افتاب کسب میکنند و ظاهر آنها هیت ذرات الاذنیاب چیزی باشد از بخار و دخان چونکه کواکب آسمان را از دور او آنها می بینیم و بعضی از آنها هسته کثیفی در وسط دارد و آن بی شبهه سخت است و احتمال است که بعد از دور شدن از افتاب و میل نمودن بسمت نقطه بعد بیضی جرم آنها سخت شود ذرات الاذنیاب اغلب هوای روشنی احاطه دارد و آن گاه بصورت دنباله بهی ممتد گشته چنانکه ذراتی که در هشتاد ظاهر شد طول دنباله اش ۷۶ کرو فرسنگ بود و عرض وسط دنباله ۷۷ فرسنگ بود و بعضی هم دنباله متعدد دارد مثل ذراتی که در سال هجری ظاهر شد شش دنباله داشت بقیه در غمزه اینه محمد حسن

۱۱۵۷